

بررسی نقش آمایش سرزمینی در امنیت جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا طحانی^۱

چکیده:

برنامه‌ریزی در دنیای امروز یکی از ابزارهای ساماندهی محیط جغرافیایی است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی به صورت اصولی، نوعی تفکر در باره‌ی مسائل اقتصادی، سیاسی، دفاعی، اجتماعی و فرهنگی است و به صورت قطعی جهت‌گیری آینده‌نگری دارد؛ و به گونه عمقی به روابط، اهداف و تصمیمات همه‌جانبه توجه دارد؛ و به شدت در زمینه‌ی خط‌مشی و برنامه، جامعیت را می‌طلبد. اساس هر برنامه‌ریزی فضایی، قانون آمایش سرزمین است. اقداماتی که برای انجام دفاع نظامی و آمادگی برای حفاظت مردم در مواقع رویارویی‌های نظامی ضرورت پیدا می‌کند مستلزم درخواست‌های عظیم فضا است. این انتظارات باید مورد توجه قرار گرفته و هماهنگ شوند. از این رو توجه به مقتضیات دفاع غیرنظامی و نظامی در تدابیر و اقدامات مؤثر فضایی به عنوان امری بدیهی مورد تأیید قرار گرفته است. لذا یافتن راهی که منتهی به این هدف شود و اسباب و شرایطی را که خاص رسیدن به این هدف است ضروری است و آن جز در سایه مراعات ملاحظات امنیتی-دفاعی در مکان‌گزینی‌ها امکان‌پذیر نیست. در این مقاله هدف از آمایش سرزمین در رابطه با بخش دفاع استقرار بهینه‌ی واحدهای نظامی در فضا برای تأمین حداکثر قابلیت دفاع و حداقل آسیب‌پذیری می‌باشد. از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ منابع حیاتی و دفاع سرزمینی را به عهده نیروهای مسلح گذاشته است و تأمین اهداف دفاعی و نظامی، پاسخ‌گویی مناسب و به موقع به تهدیدات در چارچوب مبانی و اصول، جزو وظایف اصلی این نیرو می‌باشد این مقاله در پی تبیین رابطه بین آمایش سرزمین با معیارها و اصول امنیتی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

آمایش، سرزمین، امنیت، مناطق مرزی

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

ژان پل لاکاز می‌گوید: «منظور از آمایش سرزمین، رسیدن به مطلوب‌ترین توزیع ممکن جمعیت، توسط بهترین شکل توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین است» امری که در برنامه‌های توسعه ایران تاکنون به‌طور جدی به آن پرداخته نشده و یا لاقلاً نموده‌های خود را نشان نداده است. برای مثال ۸۹/۸ درصد از جمعیت کشور در ۴۵ درصد از وسعت جغرافیایی ایران سکنا گزیده‌اند و ۱۰/۲ درصد باقی‌مانده آن در ۵۵ درصد از پهنه سرزمین زندگی می‌کنند، ۸۷ درصد از شاغلین ایران در نیمه غربی - شمالی و ۱۳ درصد مابقی در نیمه شرقی - جنوبی فعالند، ۸۸/۶ درصد از بزرگ‌راه‌های کشور در نیمه غربی - شمالی و تنها ۱۱/۴ درصد در نیمه شرقی - جنوبی کشیده شده است، برق‌رسانی ۶۸/۷ درصد در نیمه غربی - شمالی و ۳۱/۳ درصد در نیمه شرقی - جنوبی صورت گرفته است و ... بر این دامنه می‌توان آمارهای بسیار دیگری افزود که همه نشان از عدم تعادل در توسعه منطقه‌ای دارد و ضرورت توسعه متوازن و نگاه آمایشی به پهنه سرزمین را صدچندان می‌کند. نمی‌شود برنامه توسعه‌ای را بدون دید سرزمینی پیش برد. در واقع آمایش سرزمین، بازتاب سرزمینی توسعه بلندمدت کشور است. نگرش آمایشی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از وسعت و پهنای سرزمین در راستای توسعه بلندمدت بهره‌برداری کنیم. می‌توان این را به‌گونه دیگری نیز تعبیر کرد و گفت آمایش سرزمین یعنی دیدگاه راهبردی حاکمیت بر پهنه سرزمین. (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷: مقدمه).

یکی از مسائل مهم و کلیدی که در کنار برنامه‌ریزی‌های کلان و بخشی باید به‌طور مستقل به آن پرداخته شود، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، روند جامعی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را ارایه می‌کند. این شکل از برنامه‌ریزی برای به‌کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح یک کشور بهترین مکمل برای برنامه‌ریزی کلان و بخشی است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین چون با دیدی وسیع و همه‌جانبه به فضای ملی نگاه می‌کند، کلیه مناطق کشور را با حوصله و دقت از جهات مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار می‌دهد و بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای هر منطقه با توجه به یکنواختی و هماهنگی اثرات نتایج عملکردهای ملی آن‌ها در سطح ملی، نقش و مسئولیت خاص به مناطق مختلف کشور محول می‌کند. مهمترین خصوصیات آمایش سرزمین، جامع‌نگری، دوراندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و سازماندهی فضای کشور است. هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است،

به‌گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد. به عبارت دیگر، هدف کلی آمایش سرزمین، سازماندهی فضا به‌منظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین در چارچوب منافع ملی است. آمایش سرزمین زیربنای امر سازماندهی توسعه منطقه‌ای و به بیانی دیگر ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و ملی است. آمایش سرزمین، زمینه اصلی تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه‌ای را فراهم می‌آورد و ابزار اصلی تلفیق برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌ریزی‌های فیزیکی و فضایی خواهد بود. از آنجا که برای تحقق اهداف توسعه همه منابع اجتماعی اعم از منابع انسانی، اقتصادی، منبع فضایی و محیطی باید به کار گرفته شود و به‌کارگیری آنان مستلزم برنامه‌ریزی است لذا آمایش سرزمین مبنای طرح‌ها و برنامه‌های جامع توسعه بوده و پیوند دهنده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی و یا مجموع آنان در قالب برنامه‌ریزی جامع و در مقیاس ملی و منطقه‌ای است. (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷).

امنیت بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهم‌ترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. هر کشور محیط امنیت خود را در عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی بر اساس اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت آن تعریف می‌نماید. درک صحیح از محیط امنیتی و ساختار قدرت و رقابت موجود در آن بیشترین تأثیر را بر شکل سیاست‌های امنیتی هر کشور دارد و این ذهنیت‌ها و رویکرد نسبت به مباحث امنیتی در تصمیم‌سازی و عملکرد نظام سیاسی و تدوین استراتژی امنیت ملی مؤثر است (مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۴: ۴۵).

آمایش سرزمینی به تنظیم رابطه میان انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا، به‌منظور بهره‌برداری منطقی از جمیع امکانات، علم و تجربه در طول زمان می‌پردازد. (چوخاچی‌زاده، مقدم، ۱۳۸۱: ۷۹).

تجربه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه ملی در دوران قبل از انقلاب اسلامی و پس از آن نشان داده است کم توجهی و عدم نگرش به بعد فضایی و نتایج مکانی تصمیم‌گیری‌ها موجب تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای گشته و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را در سطح مناطق به شدت دامن زده است. این مسئله باعث شده است همه جوامع و مناطق

کشور نتوانند متناسب با قابلیت‌های توسعه و مزیت‌های نسبی خود از مواهب توسعه ملی برخوردار گردند. (چوخاجی‌زاده مقدم، ۱۳۸۱:مقدمه)

جمع‌آوری اطلاعات

بر اساس تعاریف و مفاهیم متفاوت از توسعه، برداشت‌های گوناگونی نیز از آمایش در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی آن ارائه شده است. در فرهنگ لغات لاروس، آمایش چنین تعریف شده است: "... بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی".

فرهنگ اقتصاد و امور اقتصادی- اجتماعی معاصر، تعریف آمایش را به شکل دیگری ارائه نموده است:

"سیاستی که در یک چارچوب جغرافیایی معین در پی بهترین توزیع ممکن جمعیت بر حسب منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد". (عندلیب، ۱۱:۱۳۸۰)

رابطه‌ی آمایش سرزمین و جغرافیا می‌تواند بیان‌های مختلفی داشته باشد. بر همین اساس می‌توان «جغرافیا» را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه‌ی سرزمین دانست و «آمایش» را تنظیم رابطه‌ی بین این عناصر به حساب آورد. در هر حال در جغرافیا و آمایش سرزمین، سه عنصر اساسی وجود دارند که زمینه‌های اصلی مطالعه بوده و عبارتند از: انسان، فضا و فعالیت. (سرور، ۳۲:۱۳۸۵)

جغرافیا با شناخت، ارزیابی و امکان‌سنجی منابع و توان‌های محیط طبیعی و انسانی نواحی و محل‌های جغرافیایی به طرح آمایش فضا می‌پردازد که ضمن آن میان بردن تضادها یا نابرابری‌ها موجود، فعالیت‌ها و تأسیسات ضروری را با کمیت و کیفیت درست، در جای مناسب و در زمان مطلوب و به حال و وضع مناسب به نحوی قرار می‌دهد که جز آن سزاوار نیست.

تاریخچه آمایش سرزمین در جهان

نخستین بارقه‌های توجه به آمایش سرزمین در فرانسه که در چارچوب برنامه‌های متمرکز توسعه‌ای قدم برمی‌داشت ظهور یافت. ژنرال دوگل معمار فرانسه نوین در سال ۱۹۶۱ آمایش سرزمین را «تجدید ساختار چهره فرانسه» نامید. آنچه دوگل گفت به دور از نظر سردمداران اولیه ایده آمایش سرزمین مانند "کلودیوس پتی" نبود وزیر بازسازی و شهرسازی وقت فرانسه که در سال ۱۹۵۰ برای نخستین بار در دولت فرانسه این موضوع را

مطرح کرد. آنها آمایش را «هنر یا فن (و نه علم) جای دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده‌نگری انسان‌ها و فعالیت‌ها، زیرساخت‌ها و وسایل ارتباطی در خدمت انسان‌ها در فضای کشور با در نظر گرفتن الزام‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی و حتی سوق الجیشی» تعریف کردند. البته آمایش سرزمین را نمی‌توان موضوع تازه‌ای دانست زیرا سرزمین چون کانون فعالیت و سکونت انسان است همواره در معرض نوعی دخالت، عمران و آمایش بوده است. آنچه نوآوری است تغییر هدفمند و برنامه‌ریزی شده سرزمین و روش‌های تهیه و اجرای این‌گونه برنامه‌هاست. فرانسه از شمار معدود کشورهایی است که طی نیم قرن گذشته برنامه‌ریزی مدون آمایش سرزمین داشته و نهادهای مشخصی را برای تهیه و اجرای برنامه‌هایی از این دست برپا کرده است. فکر برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در فرانسه در سال ۱۹۴۷ با انتشار کتابی به نام «پاریس و بیابان فرانسه» توسط شخصی به نام ژان فرانسوا گراویه^۲ پدیدار شد. از آن تاریخ به بعد تا سال ۱۹۷۵ این شیوه برنامه‌ریزی در فرانسه دوران موفقی را پشت سر گذاشت. برنامه‌های آمایش سرزمین در ایران بسیار متأثر از راه و روش فرانسوی است. زیرا در طرح آمایش سرزمینی که پیش از انقلاب بنا به سفارش سازمان برنامه و بودجه وقت توسط مشاوران «ستیران» تهیه شد؛ و نتیجه نهایی مرحله دوم آن در سال ۱۳۵۶ انتشار یافت، کارشناسان فرانسوی هم شرکت داشتند. در روش‌شناسی طرح مذکور آشکارا جای پای تجربه سال‌های اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ فرانسه - طرح فراگیر آمایش فرانسه معروف به "سزام" به چشم می‌خورد. (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷)

آمایش در ایران

به نوعی می‌توان گفت که توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران همزمان با شروع آن در فرانسه و بعد از جنگ جهانی دوم و تقریباً با اهدافی مشابه آغاز شد. البته اندیشه لزوم تهیه برنامه عمرانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی قبل از آغاز جنگ جهانی احساس شد. از آغاز تأسیس شورای عالی اقتصاد، یکی از وظایف اساسی این شورا، بررسی و طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه طریق در اجرای آنها بود و این شورا کمیسیون ویژه‌ای را به وجود آورد که پیشنهادهایی را درباره اصلاح وضع کشاورزی و مسأله مهاجرت مطرح و تنظیم کرد. این روند در برنامه‌های عمرانی سال‌های پیش از انقلاب به اشکال و انحای مختلف تا پیروزی انقلاب پی گرفته شد. در سال ۱۳۵۱ دفتری تحت عنوان "دفتر بهره‌وری سرزمین" یا

”تنسيق سرزمين“ به وجود آمد که بعدها با عنوان ”بوم آرايي“ به سازمان برنامه انتقال يافت و آمایش سرزمين نام گرفت و بعدها در سال ۱۳۵۳ مرکزی تحت عنوان ”مطالعات و برنامه ریزی آمایش سرزمين“ در جوار دفتر برنامه ریزی منطقه ای ایجاد شد و این دو به صورت دو واحد مطالعاتی در رابطه تنگاتنگ با هم شروع به کار کردند. مطالعاتی هم که بعد از انقلاب در زمینه آمایش سرزمين در ایران انجام گرفته تا حدی متأثر از طرح «ستيران» است. مشاورين ستيران در طرح پایه آمایش سرزمين به موضوعات چشم انداز جمعیت تعادل میان محیط شهری و محیط روستایی- مهاجرت های میان منطقه ای- چگونگی رشد شهری- رشد اقتصادی و نابرابری های اجتماعی- محیط زیست و منابع طبیعی و ميراث فرهنگی- وحدت ملی و تمرکززدایی- محیط بین الملل و روابط خارجی- سازماندهی جامعه روستایی رشد شهری و نظام شهری پرداخته اند. فرض ها و هدف هایی که ستيران در هر کدام از موارد بالا در نظر گرفته بود همراه با سیاست هایی که برای هر یک از بخش های اقتصادی پیشنهاد شده بود، به ترسيم چشم انداز ۱۳۹۱ ایران انجامید. مطالعات طرح پایه آمایش سرزمين در سال ۱۳۷۷ رسماً و به دستور سازمان برنامه و بودجه آغاز شد.

این مرحله از مطالعات دو ویژگی قابل اشاره دارد: اول اینکه، در این مقطع واحد مسئول تهیه طرح پایه آمایش سرزمين در سازمان برنامه و بودجه وقت از معاونت امور مناطق به معاونت اقتصادی و هماهنگی آن سازمان انتقال یافته بود و دیگر اینکه این مطالعات با هماهنگی و مشارکت معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی انجام گرفت. (وردی نژاد، ۱۳۸۷)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۱ تحول چندانی در برنامه ریزی منطقه ای ایران پدید نیامد و بیشتر تلاش ها در جهت سازماندهی مجدد سازمان های برنامه و بودجه استان ها و معاونت امور مناطق بود. این وضعیت تحت تأثیر شرایط فوق العاده کشور در دوران دفاع مقدس به وجود آمد. پس از پایان جنگ و در برنامه اول توسعه توجه به بازسازی مناطق اساس کار قرار گرفت. اما توجه خاصی به مبحث آمایش سرزمين صورت نگرفت. این غفلت در برنامه دوم توسعه پس از انقلاب نیز ادامه يافت. اما با آغاز برنامه سوم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سابق) به این نتیجه رسید که باید تغییر نگرشی در برنامه های توسعه صورت بگیرد.

در کشور جمهوری اسلامی ایران، ۳۳ سال از عمر اجرای طرح‌های آمایش سرزمین سپری شده است و در این مدت نتایج طرح‌ها با ناکامی‌ها و موفقیت‌هایی روبه‌رو بوده است، اما شاید هیچ‌گاه در این خصوص بحث علمی صورت نگرفته است و متأسفانه دولت‌ها بدون توجه به نتایج برنامه‌های قبلی مبادرت به اجرای برنامه جدید نموده‌اند. مورد دیگری که از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد عدم توجه به ملاحظات دفاعی و امنیتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای است که همواره جای آن در اصول آمایش سرزمین خالی بوده است به طوری که این امر را می‌توان در پیام مقام معظم رهبری به رئیس جمهور وقت (آقای سید محمد خاتمی) در خصوص سیاست‌های کلی برنامه‌ی سوم توسعه، احساس کرد.

معظم‌له در بند ۳۰ پیام خود می‌فرمایند:

«آمایش سرزمین به‌عنوان چارچوب بلند مدت در برنامه‌ریزی‌ها باید مبتنی بر اصول زیر باشد:»

- ۱- ملاحظات دفاعی و امنیتی؛
 - ۲- کارآیی و بازدهی اقتصادی؛
 - ۳- وحدت و یکپارچگی سرزمین؛
 - ۴- گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛
 - ۵- حفاظت محیط زیست و احیاء منابع طبیعی؛
 - ۶- حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی؛
 - ۷- تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور؛
 - ۸- توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیت‌ها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور.
 - ۹- سپس در بندهای ۳۴ تا ۳۶ پیام خود به ضرورت آمایش دفاعی پرداخته‌اند:
- بند ۳۴- بهبود و تکمیل سازمانی و توزیع جغرافیایی نیروهای مسلح، متناسب با اندازه و نوع تهدید و آمایش سرزمینی.
- بند ۳۵- تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت دادن به انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته.
- بند ۳۶- توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین. (چوخاجی‌زاده مقدم، ۱۳۸۱: مقدمه)

آمایش سرزمین به صورت یک دانش، نظام و شیوه‌ای است که تلاش می‌کند «بهبینگی» را جانشین «بیشترین» کند. بهینگی بار ارزشی غیراقتصادی دارد و به «رشد» یا «توسعه» به صورت بالا رفتن همه شاخص‌های کمی نگاه نمی‌کند. بلکه ضوابط کرامت انسانی و بهزیستی و پایداری توسعه و حفظ محیط‌زیست - حتی به بهای کسب سود کمتر - مورد نظر سیاست‌گذار است. از این رو در اقتصادهای بازار محور، نسبت به آمایش سرزمین - مانند هر نوع برنامه‌ریزی دیگر توسط دولت - با تردید نگاه می‌شود چرا که اقدامات ناشی از این نوع برنامه‌ریزی شاید با مفهوم «دست نامرئی» هم‌راستا نباشد. این موضوع را می‌توان در بیان اصول آمایش در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری قمری به خوبی مشاهده کرد: (بلوریان، ۱۳۸۹:۲۱)

- ملاحظات امنیتی و دفاعی
 - کارآیی و بازدهی اقتصادی
 - وحدت و یکپارچگی سرزمین
 - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای
 - حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی
 - حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی
 - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور
 - رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور
- مسائل و محورهایی که آمایش سرزمینی با آن مواجه بوده و به دنبال ارزیابی و توسعه منطقه‌ای یا ملی آن می‌باشد عبارتند از: (دعا، ۱۳۸۷:۱)
- عدم توجه به ملاحظات دفاعی امنیتی در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای.
 - تمرکز سرمایه در مناطق خاصی از کشور.
 - تخریب بخشی از منابع طبیعی و محیط زیست.
 - قوم‌گرایی و مذهب‌گرایی.
 - مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرها.
 - رشد انفجاری در جمعیت شهری.
 - تمرکز توانمندی‌ها و نوآوری‌ها در شهرهای بزرگ.
 - رشد بی‌رویه مراکز استان و ناتوانی در مهار حاشیه‌نشینی.
 - تشدید نابرابری‌ها در سطح زندگی و شیوه معیشت شهرها.

- عدم تعادل میان توسعه‌های شهری در سطوح مختلف.

ژئومورفولوژی و ارتباط آن با آمایش

ژئومورفولوژی یعنی ریخت‌شناسی زمین (هزاره، ۱۳۸۵: ۶۵۶) و کاربرد آن سعی دارد از سویی، بین پدیده‌های ظاهراً ایستای محیط طبیعی با عوامل پویای آن رابطه‌ای برقرار کند و با نگرش سیستمی به نتایج و فرآیندهای این روابط بنگرد و از سوی دیگر، با ایجاد رابطه‌ی موزون بین ژئومورفولوژی با دانش‌های مجاور و معین^۱ دیگر، در آمایش سرزمین و مدیریت فضاهای مختلف جغرافیایی، گام اساسی بردارد. (رجایی، ۱۳۸۷: پیش‌گفتار)

آمایش سرزمین بعد ارزشی، سیاسی و قانونی دارد؛ زیرا مبانی ارزشی آن طبق موازین جاویدان ارزشی اسلام، «مجموعه‌ای از معارف اصلی و اخلاقی و قوانین عملی متناسب‌الاطراف و مرتبط‌الاجزاء» می‌باشد در سال‌های اول قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام بر اساس عدالت اجتماعی، (که مقام معظم رهبری آن‌ها را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌فرمایند)؛ و پس از گذر از مجاری اجرایی- قانونی، هیأت دولت، شوراها و مجلس شورای اسلامی با اراده سازماندهی مطلوب و آینده مجموعه سرزمین و مناطق تعیین می‌شود.

آمایش سرزمین بعد علمی دارد؛ زیرا ویژگی‌های پدیده‌های موضوع آمایش سرزمین (محلّی، ناحیه‌ای و ملی) را با روش علمی خاص خود مرتب می‌کند و آن‌ها را، چونان معرفت موثق، در اختیار برنامه‌ریزان برنامه‌ریزی فضایی و آمایشگران برای تدوین مطالعات در قالب طرح‌های پایه آمایش سرزمین در جهت آمایش فضای حیاتی قرار می‌دهد: «آمایش سرزمین امروز، مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به طرز هماهنگ و تلفیق یافته عمل می‌کند و کارشناسان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی اجتماعی...) و مهندسی (معماری، راه و ساختمان، کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست، معماری، شهرسازی و جغرافیا) با مشارکت گروهی و گفت و شنود منطقی می‌توانند در محدوده مسائل آمایش سرزمین مطالعه و برنامه‌ریزی کنند». جایگاه دانش جغرافیا و جغرافیای کاربردی در آمایش سرزمین بسیار متین است و «بی‌شک جغرافیا رکن مهمی برای آمایش سرزمین محسوب می‌شود... هم در جغرافیا و هم

¹. assistant

در آمایش سرزمین سه عنصر اساسی وجود دارد که زمینه‌های اصلی مطالعه هستند: انسان، فضا و فعالیت... به تعبیری، جغرافیا آمایشی‌ترین علوم و آمایش سرزمین جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است آن‌چه را جغرافیا به‌عنوان یک علم توضیح می‌دهد، آمایش به‌عنوان مجموعه‌ای از علوم، شیوه‌ها و هنرها می‌کوشد عملی کند، جغرافیا توضیح می‌دهد و آمایش تغییر می‌دهد، جغرافیا تبیین می‌کند و آمایش طراحی...».

اقتضای ماهیت و تعریف جغرافیا، که به بررسی جریان دیالکتیکی^۱ روابط دو جانبه انسان و محیط و ساختار فضایی حاصله می‌پردازد، حکم می‌کند تا جغرافیا یکی از همکارهای اصلی منطقه‌شناسی، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی منطقه‌ای یا آمایش سرزمین در سطوح محلی، ناحیه‌ای و کشوری باشد. جغرافیا باید در زمینه ارزیابی و قابلیت‌سنجی منابع و توان‌های محیط طبیعی، انسانی و اقتصادی نواحی جغرافیایی ایران کمک کند تا برنامه‌ریز و طراح نظم فضایی بتواند، ضمن از میان بردن تضادها و نابرابری‌های موجود، فعالیت‌ها و تأسیسات ضروری را با کمیت و کیفیت درست، در جای مناسب و در هنگام معین و به حال و وضع مناسب و ترکیب موزون و زیبا به نحوی در فضا استقرار دهد تا حق هر چیزی در مقام خود، ادا شود و هر چیزی در سر جای خود بنشیند که غیر از آن سزاوار نیست.

آمایش سرزمین بعد دفاعی- امنیتی دارد؛ زیرا ضرورت‌های دفاع نظامی و غیرنظامی مسائلی هستند که در جهان کنونی کلیه ابعاد زندگی را در بر می‌گیرند و تنها به ایجاد فعالیت و اسکان در مناطق استراتژیک محدود نمی‌شوند.

آمایش سرزمین بعد هنری دارد؛ زیرا فضا باید در طرح‌ریزی و اجرا بر وفق اصول زیباشناختی، یعنی نظم، تناسب و هماهنگی معینی بین اجزاء واقعیت‌های تشکیل‌دهنده آن، آرایش و سازمان یابد: «کار کارشناس آمایش، مانند کار هنرمند نقاش است، که با درهم‌آمیزی رنگ‌ها، تصویری هماهنگ، موزون و زیبا پدید می‌آورد، او نیز با درهم‌آمیزی برنامه‌ریزی شده و عقلایی عوامل طبیعی، اقتصادی و انسانی در پهنه سرزمین، امکانات و تسهیلات و ساختارها و نظام‌های مطلوب کار و زندگی فردی و اجتماعی را پدید می‌آورد».

(چوخاچی‌زاده مقدم، ۱۳۸۱: ۴۱)

^۱. dialectic

الزامات و مقتضیات امنیت و دفاع در آمایش

دفاع نظامی به برخی نقاط در شهرها و مناطق مرزی محدود نمی‌شود، بلکه دفاع غیرنظامی و بسیج را نیز در بر می‌گیرد. زیرا در شرایط کنونی، تا انقلاب پایدار است، همه نقاط کشور از سطح محله تا کشور بالقوه در خطر است. بدین ترتیب باید جایگاه دفاع و دفاع غیرنظامی و حضور آن در گستره جغرافیایی کشور دیده شود و الزامات و مقتضیات فضایی آن در گستره جغرافیایی کشور دیده شود و الزامات و مقتضیات فضایی آن در قانون آمایش سرزمین مدنظر قرار گیرد و چگونگی آن را قانون خاص آن تعیین کند. این امر در انقلاب اسلامی ایران سابقه دارد.

"مجموعه سیاست‌های مصوب شورای بازسازی کشور" که در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۸ به محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) تقدیم گردید و حسب موافقت معظم‌له مصوبات مزبور برای برنامه‌ریزی و اجرا توسط رئیس محترم جمهوری وقت (رهبر کنونی انقلاب) به دولت ابلاغ شد، حاوی بسیاری از سیاست‌ها و اولویت‌هایی است که در قانون آمایش سرزمین آتی هم جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت، چند نکته (در بند الف سیاست‌ها: سیاست‌ها و اولویت‌های بازسازی مناطق جنگ زده) به قرار زیر از نظر دفاع نظامی و غیر نظامی آمده است:

تأمین مصالح مورد نیاز برای مناطق جنگی با هماهنگی بخش‌های مختلف؛
پیش‌بینی تدابیر ایمنی برای نقاط جمعیتی مخصوصاً در مورد شهرها و بخش‌های مرزی در مقابل هر نوع حمله احتمالی؛
ایمن سازی و رعایت اصول مربوط به پدافند غیرعامل در بازسازی صنایع و نقاط استراتژیک و تأسیسات مهم».

مناطق مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مناطق مرکزی می‌باشند؛ به همین دلیل، عقب‌مانده‌ترین و محروم‌ترین این مناطق هستند. توسعه به شکل امواج سلسله مراتبی و با محوریت مرکز رشد اصلی و توزیع متعادل مراکز رشد تا دورترین نواحی (مرزها) گسترش می‌یابد. همچنین توسعه‌ی مناطق مرزی با تأمین زیرساخت‌های لازم آن در درون یک نظام فضایی منسجم و یک پارچه طراحی شده، میسر است. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۱)

از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی می‌باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در

نتیجه توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شوند و در نتیجه هرگونه ساختار فضایی در سطوح و مقیاس‌های مختلف به ویژه در ارتباط بین فضاهاى مرزى و ديگر نواحى، مستلزم برخورداری از پدیده‌ای به نام مرکزیت است.

بین عوامل جغرافیایی، جمعیت و فعالیت در مناطق مرزى روابطى برقرار است که این روابط یک ساختار و نظام فضایی را تشکیل می‌دهند. هم‌چنین به میزان وجود تعادل منطقه‌ای، مرزهای ذهنی و فیزیکی حایل بین مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی رقیق‌تر می‌شوند و به همین نسبت در صورت عدم وجود تعادل بین این مناطق، این مرزها ظهور و بروز بیش‌تری می‌یابند. باید دانست رفع پدیده‌ی عدم تعادل منطقه‌ای و فضایی از طریق توزیع سلسله مراتبی توسعه با محوریت "مرکزیت" به جانب "پیرامون" یا مناطق مرزى میسر می‌شود و توسعه و آمایش مناطق مرزى مستلزم درک پیچیدگی‌های فضایی، کالبدی، تعادل منطقه‌ای و ابعاد متنوع دخیل در این مناطق می‌باشد. از سویی تأکید مفرط بر مقوله‌ی تمرکز در برنامه‌ریزی توسعه‌ای یا فضایی باعث عدم تعادل منطقه‌ای و فضایی؛ و در نتیجه، پیدایش مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی (که تا حدودی منطبق بر مناطق مرزى است)، می‌شود. (عندلیب، ۴۲: ۱۳۸۰)

مناطق مرزى ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامى)

یکی از مناطق مرزى مهم و حساس خاورمیانه که به ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامى دستخوش حوادث گوناگونی در ابعاد نظامی، سیاسی، امنیتی و... بوده است، مناطق مرزى ایران با کشورهای همسایه می‌باشد. در طول تاریخ، نه تنها وسعت و شکل جغرافیایی ایران پیوسته دچار تحول شده است، بلکه مرزهای سیاسی این کشور نیز کم و بیش دستخوش تغییر و تحول شده‌اند، طول مرزهای بین‌المللی ایران در حال حاضر حدود ۷۸۱۶ کیلومتر است. (اردستانی، فوزی، اطاعت، یکتا، ۱۳۷۸) با ۱۵ کشور همسایه (یکی از پر تعدادترین کشورهای همسایه) با جغرافیای متنوع طبیعی و انسانی، که این مناطق را از مناطق هم‌جوار جدا می‌سازد. (عندلیب، ۱۳۷۹- الف)

قسمت‌هایی از مناطق مرزى ایران از دیرباز به عنوان یکی از ناامن‌ترین مناطق به‌شمار می‌رفته است، چنانچه وجود دائمی تهدیدات نظامی علیه تمامیت ارضی توسط برخی از کشورهای همسایه، تردهای غیرقانونی اتباع مهاجر، گروه‌های معاند و قاچاق چپان در کنار توسعه نیافتگی، مناطق مرزى را به‌عنوان یکی از نقاط بحران‌خیز و آسیب‌پذیر این کشور

مبدل ساخته است. به این ترتیب بر اساس مطالعات تاریخی می‌توان گفت برخی از مشکلاتی که امروزه این کشور در مناطق مرزی با آن روبروست به دوران‌های گذشته و بلکه زمان‌های طولانی باز می‌گردد. لیکن به دلیل مخاصمات و دشمنی‌های مخالفین جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷ انواع بحران‌های اجتماعی، سیاسی و... (به دلیل آسیب‌پذیری‌های فراوان) از این مناطق به کشور تحمیل و بر شدت معضلات مناطق مرزی افزوده شده است. مشکلات یاد شده‌ی فوق، دولت‌های ایران در قبل و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی را وادار به چاره‌اندیشی و ارایه راه‌حل‌های گوناگون نموده است. از آن‌جا که تنوع مناطق مرزی در این کشور فراوان است، به این جهت این راه‌حل‌ها نیز نتوانسته است به صورت یک‌پارچه در کل مناطق یاد شده به نتیجه و موفقیت کامل دست یابد، لیکن تجارب ارزنده‌ای را به دست داده در ادامه مرور می‌شود.

طراحی نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین و ارتقای جایگاه آمایش سرزمین به‌عنوان بالادست‌ترین سند توسعه بلندمدت کشور است که در راستای کاهش فقر و محرومیت از طریق نهادینه‌سازی رویکرد آمایشی در بدنه نظام برنامه‌ریزی (به‌منظور تنظیم رابطه دیدگاه‌های درازمدت و میان مدت و تنظیم روابط بین برنامه‌ریزی بخشی و منطقه‌ای و تعیین نقش و جایگاه بخش‌های مختلف و عرصه‌های مختلف جغرافیایی) در چارچوب مبانی آمایش سرزمین صورت می‌گیرد. در واقع آمایش و اسناد آن در سطح ملی یک سند بالادست در افق بلندمدت بیست ساله است که اصولاً جهت تحقق اهداف و آرمان‌های آن باید تمام برنامه‌ریزی‌های سطح پایین آن با استناد به این اسناد تهیه شوند و در نهایت به مرحله اجرا درآیند. (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷)

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز در خصوص آمایش سرزمین مواردی ذکر گردیده است که اهمیت جدی مسئله را نمایان می‌سازد. پیگیری آمایش سرزمین مبتنی بر اصول ذیل در این سند مطرح شده است. این موارد می‌توانند به‌عنوان رسالت آمایشی سرزمین مطرح شوند:

- * ملاحظات امنیتی و دفاعی
- * کارایی و بازدهی اقتصادی
- * وحدت و یکپارچگی سرزمین
- * گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای

- * حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی
 - * حفظ هویت اسلامی- ایرانی و حراست از میراث فرهنگی
 - * تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور
 - * رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور
- و نتیجه نهایی آن که حصول نتایج فوق در اهمیت قائل شدن و سرلوحه قراردادن آمایش سرزمین در تدوین برنامه‌ریزی توسعه کشور است و این امر منجر به تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی در یک زیرساخت محکم و پایدار خواهد شد.

خصوصیات و ویژگی‌های مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران

- ۱- داشتن طولانی‌ترین مرز در بین ۹ کشور خاورمیانه (رتبه یکم) با تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور) و قرار گرفتن نیمی از استان‌های کشور در مناطق مرزی. (عندلیب و مطوف، ۱۳۷۹)
- ۲- تنوع جغرافیایی مرزی ایران (خشکی، آبی، کوهستانی، کویری...) که تدابیر دفاعی متفاوتی را می‌طلبد، در حالی که امکانات توسعه نیز متنوع است. (سازمان برنامه و بودجه خراسان، ۱۳۷۸)
- ۳- تراکم کم جمعیت، پراکندگی آن و وجود جمعیت‌های متحرک در برخی از مناطق مرزی.
- ۴- کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی این مناطق. (علینقی، ۱۳۷۸)
- ۵- تنوع خطرات و تهدیدات امنیتی و دفاعی از سوی همسایگان که هر یک از آن‌ها تهدیدات ویژه‌ای را باعث شده است. (واعظی، ۱۳۷۸؛ اردستانی، فوزی، اطاعت، یکتا، ۱۳۷۸)
- ۶- محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید مناطق مرزی و وضعیت نامتعادل و نابرابری اقتصادی، فرهنگی و... این مناطق با مناطق مرکزی و پایین بودن اکثریت این مناطق از متوسط‌های ملی. (علینقی، ۱۳۷۸)
- ۷- داشتن قومیت‌های متنوع در مناطق مرزی و وجود ساختارهای سیاسی وابسته به قدرت‌های خارجی در برخی از کشورهای مجاور. (صدیق اورعی، ۱۳۷۶، ۱۳۷۶؛ میرحیدر، ۱۳۷۳)

۸- بی‌ثباتی یا ضعف شدید در ایجاد ثبات کامل سیاسی، اداری، اقتصادی اغلب کشورهای همسایه که فقدان کنترل کامل مرزها را به همراه داشته و در نتیجه باعث ائتلاف منابع و بروز مشکلات حادث‌تر در مناطق مرزی بوده است. (حسینی، ۱۳۷۷)

مسایل و مشکلات مناطق مرزی ایران

خصوصیات و ویژگی‌های مرز مشترک ایران با کشورهای هم‌جوار باعث بروز مسایل و مشکلات فراوان و متنوعی شده است که به عمده‌ترین آن‌ها به صورت عوامل تهدیدزای توسعه و امنیت و مؤثر در طرح آمایش دفاعی این مناطق اشاره می‌شود:

- ۱- فقر و محرومیت شدید مردم مرزنشین که زمینه‌های ناامنی، آلودگی به قاچاق و... را فراهم می‌سازد. (همان)
- ۲- تحمیل هزینه‌های سنگین در ایجاد امنیت مناطق مرزی توأم با بروز مشکلات اجرایی و تلفات جانی و کاهش قدرت کنترل امنیت این مناطق. (محمدی، ۱۳۷۷)
- ۳- پخش ناامنی از طریق مهاجرین غیرقانونی، پناهندگان، قاچاقچیان مواد مخدر، اشرار و گروه‌های معاند.
- ۴- به‌وجود آمدن شکاف‌های اجتماعی و تبعیضات قومی و فرهنگی در برخی از این مناطق. (حسینی، ۱۳۷۷)
- ۵- فقدان نظام تصمیم‌گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد در مناطق مرزی که باعث بروز مشکلات زیادی در توسعه و دفاع این مناطق شده است. (میرزایی، ۱۳۷۷)

راه‌حل‌ها و طرح‌های ارایه شده

این اقدامات در چارچوب طرح‌های توسعه و امنیت مناطق مرزی و به‌منظور مقابله با مسایل و مشکلات مذکور ارایه و اجرا شده است:

- ۱- ارایه طرح آمایش پنج استان مرزی غرب کشور که به مسایل و مشکلات مناطق مرزی غرب کشور نیز توجه شده است. (دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۷-ب)
- ۲- طرح مطالعاتی محور شرق کشور با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان در سال‌های ۷۲-۱۳۶۹ که مسایل مرزی و مشکلات مربوط به آن در مرزهای شرقی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. (دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۷۳)

۳- اجرای طرح احیا و توسعه در مناطق محروم به ویژه استان‌های مرزی کشور. (طرح احیا، ۱۳۷۴)

۴- انجام طرح‌های ساماندهی فضایی.

۵- کوشش در برقراری و پیوند دهی توسعه و دفاع با یکدیگر در رابطه با طرح‌های آمایش دفاعی مناطق مرزی کشور.

۶- اقدامات تأمین نظامی و انتظامی به منظور کنترل مرزها. (بلندیان، ۱۳۷۴)

۷- تلاش در جهت نظام‌مند کردن مبادلات بازرگانی با کشورهای مجاور از طریق استقرار بازارچه‌های مرزی و تکمیل قوانین مربوط به دادوستد تولیدات و محصولات محلی (پیلهوری).

۸- مشارکت بیش‌تر مردم از طریق شوراهای اسلامی در مناطق مرزی.

آمایش امری جدای از جریان برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای یک کشور نیست. بلکه چیزی در راستای آن می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایشی یا فضایی عبارت از استمرار فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور می‌باشد. از نظر مفهومی آمایش سرزمین، تجلی فضایی محتوای برنامه‌های توسعه‌ی ملی است که در فضای سرزمین یک کشور و ملیت انعکاس پیدا می‌کند.

دستیابی به توسعه متعادل با روش‌های متداول کنونی که دولت بار اصلی توسعه را به دوش می‌کشد اگر غیرمحمتمل نباشد در حالی خوش‌بینانه بدون آمایش سرزمین امری طولانی و زمان‌بر خواهد بود.

تجربه برنامه‌ریزی بخشی و سیاست محرومیت‌زدایی به شیوه کنونی که عدم تعادل‌های موجود و گسترش شکاف روزافزون میان مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته کشور را به دنبال داشته است، روشن‌ترین دلیل بر ناکارآمدی این روش‌ها است.

گرچه نقطه روشن، ایجاد مرکز ملی آمایش توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است، اما جای تردیدی نیست که دولت و اعتبارات دولتی همچنان نقش محوری در فرآیند توسعه خواهند داشت، که این نقش می‌بایست جهتی دوسویه داشته باشد. بدین معنی که دولت با کاهش تدریجی نقش خود در مناطق توسعه یافته از یک سو و با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اساسی در مناطق کمتر توسعه یافته، بستر توسعه را آماده کند و از سوی دیگر با برقراری تسهیلاتی که با مکانیزم‌های ساده و فارغ از پیچیدگی‌های بوروکراتیک کنونی، در اختیار متقاضیان راه اندازی واحدهای تولیدی در این مناطق قرار گیرد، زمینه

جلب مشارکت‌های مردمی و بخش‌های غیردولتی و شرکت‌های دولتی را در این مناطق فراهم آورد. سازوکار آمایش سرزمین شیوه مناسبی برای رسیدن به این هدف است. در حقیقت، اهمیت مسئله برنامه‌ریزی آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی، مقوله‌ای است که بر آن تأکید شده است و در واقع بر این اعتقاد که جهان از سه نوع عدم تعادل رنج می‌برد تأکید می‌کند:

۱ - عدم تعادل میان شمال - جنوب

۲- عدم تعادل میان ثروتمندان و تهی‌دستان

۳- عدم تعادل میان انسان و طبیعت

امنیت بنیادی‌تری نیاز هر جامعه مهم‌ترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. هر کشور محیط امنیت خود را در عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی بر اساس اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت آن تعریف می‌نماید. درک صحیح از محیط امنیتی و ساختار قدرت و رقابت موجود در آن بیشترین تأثیر را بر شکل سیاست‌های امنیتی هر کشور دارد و این ذهنیت‌ها و رویکرد نسبت به مباحث امنیتی در تصمیم‌سازی و عملکرد نظام سیاسی و تدوین استراتژی امنیت ملی مؤثر است (مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۴: ۴۵)

مقوله‌ی امنیت، پدیده‌ای احساسی یا ذهنی است، به این معنا که این اطمینان بایستی در ذهن توده‌ی مردم، دولت‌مردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به‌وجود آید که امنیت لازم برای ادامه‌ی زندگی، بدون دغدغه و دل‌نگرانی‌های خاص، وجود دارد. (بهزادی، ۱۳۶۸)

نتیجه‌گیری

به‌طور عام آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است، آمایش سرزمین تلفیقی از نظام اسکان جمعیت با ساختار فضایی فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی با در نظر گرفتن ملاحظات و معیارهای اجتماعی - فرهنگی بر اساس نظریه پایه توسعه ملی است. با کنار هم قرار دادن تعاریف، وظایف و شمول آمایش سرزمین به شرح زیر می‌باشد: (وردی‌نژاد، ۱۳۸۷).

- به‌عنوان مرجع تنظیم دیدگاه دراز مدت توسعه
- ارائه استراتژی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فضایی - محیطی

- مکان‌یابی برای فعالیت‌های مشخص
- فعالیت‌یابی برای مکان‌های مشخص
- ارائه استراتژی کلی توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین
- ارائه الگوی توسعه فضایی - الگوی اسکان جمعیت
- ارائه نظام مدیریت سرزمین
- حفاظت از محیط زیست

و همه این وظایف اجزا و مؤلفه‌های مقوله سازماندهی و مدیریت فضایی توسعه می‌باشند. امنیت در مفهوم و گستره‌ی ملی، با اهداف، حاکمیت ملی و استقلال، رابطه‌ی تنگاتنگ و لازم و ملزوم دارد. در همین چارچوب است که می‌گویند امنیت یک عنصر تجزیه‌ناپذیر است. به کلام دیگر هنگامی که یک کشور در بعد یا حوزه‌ای فاقد امنیت باشد، به خصوص در زمینه‌ی ناامنی سرزمینی، این شرایط در تمامی ارکان و شئون دیگر کشور تأثیر می‌گذارد. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۸۷)

طرح‌های «توسعه و آمایش سرزمین» از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرند. از دیدگاه جغرافیایی، «عوامل محیطی» بستر و کالبد طبیعی و یکی از پایه‌های اصلی فرایند توسعه‌ی کالبدی به شمار می‌روند. (سرور، ۱۳۸۵: ۵) بنابراین «جغرافیای کاربردی»، بهره‌گیری از منابع محیطی را بدون تخریب مطرح می‌کند تا نواحی جغرافیایی برای مدت‌های طولانی و نسل‌های آتی قابل استفاده باشد. (سرور، ۱۳۸۵: ۱۷)

مکان‌یابی شهرها، روستاها، جایگزینی واحدهای صنعتی، خدماتی و مسکونی با شناخت وسیع در شرایط مورفولوژی و پدولوژی و حتی اقلیمی محیطی در رابطه است که این واحدها در سینه‌ی آن شکل خواهد گرفت، چرا که استقرار شهر و روستا و فعالیت‌های وابسته به آن‌ها در پهنه‌ی فضایی که از نظر زمین ساخت و سازنده‌های سطحی مورد بررسی قرار نگرفته باشد، دور از منطق جغرافیایی است. اگر روستا مکان خود را در فضایی با خاک زراعی با ارزش می‌طلبد، برعکس، شهر، نشستگاه خود را روی خاک‌های غیرزراعی، مقاوم، دور از شکست‌ها و لغزش‌ها و گسل‌های زمینی انتخاب می‌کند، به گونه‌ای که بتواند، با ایجاد طرق ارتباطی، چه بسا منطبق بر محور راه‌های طبیعی، ارتباط خود را در مقیاس ناحیه‌ای و ملی با سایر واحدهای شهری و روستایی برقرار سازد و با استفاده از منابع محیطی، به ویژه منابعی که طبیعت در مقیاس ناحیه‌ای در اختیار شهر قرار می‌دهد، به حیات خود

تداوم بخشد. شناخت همه جانبه‌ی این فضا در راستای مکان‌یابی شهر و روستا در قلمرو جغرافیای کاربردی به ویژه کاربرد ژئومورفولوژی است. (رجایی، ۱۳۸۷: پیشگفتار)

توسعه‌ی پایدار نوعی از توسعه است که تأمین‌کننده‌ی نیازهای حال حاضر، بدون به خطر انداختن قابلیت تحقق نیازهای نسل‌های بعدی باشد. (سرور، ۱۳۸۵:۴۸)

برای نهادینه کردن مفهوم پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران می‌شود، (طحانی، ۱۳۹۲:۳۹) باید به موضوع آمایش سرزمینی اهتمام ویژه‌ای داشت. آمایش سرزمینی باید به‌طور هم‌زمان تلاش کند تا:

- توسعه متعادل اجتماعی و اقتصادی منطقه را تأمین نماید.
 - با در نظر گرفتن روندهای اقتصادی حاکم بر سراسر کشور، ویژگی‌های منطقه‌ای و اهمیت محورهای توسعه و شبکه‌های ارتباطی، رشد مناطق متراکم و یا مناطقی را که درگیر توسعه بسیار شدیدند را کنترل نماید.
 - توسعه مناطق عقب‌مانده را تقویت کند.
 - تأسیسات زیربنایی که برای برانگیختن بهبود اقتصاد مناطق در معرض انحطاط، یا مناطق درگیر با مسائل جدی اشتغال به ویژه مسائل حاصل از جابه‌جایی نیروی انسانی، ضروری هستند را نگهداری و سازگار کند.
 - مناطق حاشیه‌ای، که دارای نیازهای ویژه و امکانات بالقوه ساختاری برای تجدید تعادل در زمینه اجتماعی، اقتصادی می‌باشند، باید به وجه مناسب‌تری با مراکز صنعتی و اقتصادی ارتباط یابند.
- توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین و بهره‌برداری کارآمد، از قابلیت‌ها و مزیت‌های کشور «سند ملی آمایش سرزمین» در کشور محسوب می‌گردد که این امر باید در سه سطح کلان، بخشی و استانی انجام گیرد. با توجه به مراتب بالا، توجه به سیاست‌های کلان آمایش سرزمین ضرورت دارد و لذا موارد ذیل در چارچوب سیاست‌گذاری در زمینه آمایش سرزمین قابل بررسی و تأمل است:
- * گسترش و تجهیز کردورهای ارتباطی با عملکرد فراملی و مراکز جمعیتی مستقر برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی.

- * پیش‌بینی مراکز جمعیت برای تقویت نقش منطقه‌ای کشور در رابطه فراملی و بین‌المللی.
- * تقویت ظرفیت‌های تولیدی در صنایع مورد تقاضا در نواحی مناسب بازارهای مصرف.
- * پیش‌بینی مراکز صنعتی مناسب و مکان‌یابی آنها.
- * تعیین و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی در ابعاد داخلی و بین‌المللی.
- * تجهیز مراکز جمعیتی و صنعتی، توسعه ظرفیت‌های زیربنایی با توجه به تفاوت‌های عمده بین مناطق شمالی و جنوبی و شرقی و غربی کشور به لحاظ زیست محیطی.

منابع

- آمایش ملی سرزمین و تأسیسات حیاتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران ۱۳۸۷
- چوخاجی‌زاده مقدم‌دکتر محمدباقر، مجموعه مقالات همایش و دفاع سرزمینی، دانشگاه امام حسین، تهران ۱۳۸۱
- حق‌شناس علی‌محمد، سامعی حسین، انتخابی نرگس فرهنگ معاصر هزاره، تهران ۱۳۸۵
- رجایی دکتر عبدالحمید، کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط، نشر قومس، تهران ۱۳۸۷
- سروردکتر رحیم، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) تهران ۱۳۸۵
- سیاری حبیب‌الله، راهبردهای قدرت دریایی، انتشارات دافوس آجا، تهران ۱۳۹۱
- طحانی‌غلامرضا، صفری‌نژاد احمد، پدافند غیرعامل دریایی، انتشارات دافوس آجا، تهران ۱۳۹۲
- عظیمی‌بلوریان دکتر احمد، مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه، خاستگاه‌ها، سیر تکاملی و تجربه ایران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۸۹
- عندلیب دکتر علی‌رضا، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران، تهران ۱۳۸۰